



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

شهر شهاده ۱۴۰۲



صاحب امتیاز
کانون قرآن و عترت

مدیر مسئول
محمد طاهری

سر دبیر
پروانه رضائی نیا

هیئت ویراستاری
ریحانه خرمی، پروانه رضائی نیا

طراح
حسین رئیسی

هیئت تحریریه
محمد امیدی (م.الف)، زهرا نادریان، محمد طاهری، محمد حسین زارع، پروانه رضائی نیا، علی
جوکار، زهرا استخر، فاطمه خانی

فهرست مطالب

| | |
|----|-----------------------------|
| ۰۴ | سخن سردبیر |
| ۰۵ | بازگشایی دوباره |
| ۰۶ | ماه عاشقی |
| ۰۹ | حماسه حسینی |
| ۱۴ | پیر پر نیان اندیش شعر فارسی |
| ۱۶ | علی از زبان علی |
| ۱۸ | مسابقه |

سخن‌دیر

سرانجام با لطف خدا، تلاش بی‌وقفه کادر درمان و تولید واکسن‌های متعدد، بال کرونا شکسته شد و سیستم آموزش از جمله دانشگاه‌ها به روال قبل خود برگشتند. این بیماری اگرچه جان عزیزان زیادی را گرفت ولی درس‌های بسیاری نیز به ما آموخت؛ از جمله آنکه ارزش مجالس و دورهمی‌های دوستانه و خانوادگی را بدانیم و حضور و لذت بردن در کنار یکدیگر را ارج نهمیم.

با فروکش کردن این بیماری دوباره شاهد برگزاری مراسمات و عزاداری‌های باشکوه امام حسین (ع) هستیم و چه خوب است که می‌توان بار دیگر در کنار هم جمع شد و قیام عاشورا را زنده نگه داشت.

به دلیل فرا رسیدن محرم حسینی در این شماره از نشریه حنان بر آن شدیم تا دل‌نوشته‌ها و شعرهای حسینی که حال و هوای خواننده را دگرگون می‌کنند، خدمتتان ارائه کنیم. همچنین نظری داشته باشیم بر کتاب "علی (ع) از زبان علی (ع)" نوشته محمد محمدیان؛ باشد تا به وسیله آشنایی با سرگذشت و سیره این امام بزرگوار، بتوانیم ایشان را در زندگی سررشته و الگوی خود قرار دهیم. به مناسبت درگذشت هوشنگ ابتهاج (ه. الف. سایه) نیز، با زندگینامه و آثار این شاعر بزرگ معاصر، آشنا خواهیم شد.

در پایان مسابقه‌ای نیز طراحی شده؛ توجه داشته باشید پاسخ تمامی سوالات در مطالب نشریه وجود دارد و از شما دعوت می‌شود با شرکت در این مسابقه و ارسال پاسخ صحیح، به قید قرعه هدایایی از کانون قرآن و عترت دریافت نمایید.

در پایان از همه عزیزانی که ما را در این راه یاری کردند کمال تشکر را داریم و از صاحب نظران گرامی دعوت می‌کنیم تا ما را از پیشنهادات ارزنده خود بهره‌مند سازند.

امید است این شماره از نشریه حنان مورد پسند شما مخاطبان عزیز واقع گردد.

من الله توفیق

پروانه رضایی نیا

مرداد ۱۴۰۱

دوباره بازگشایی

کرونا کم کم باروبندیش را جمع کرده بود، واکسن‌ها تقریباً اثر خود را گذاشته و مردم جهان تا حدودی به این ویروس منحوس مقاوم شده بودند. هر چند که کرونا هر از گاهی یک سویه جدید رو می‌کرد تا اثرات واکسن‌ها را خنثی کرده و دوباره بر دنیا حاکم شود، اما غافل از آنکه قدرت علم بیشتر از این حرف‌هاست. با فراگیر شدن واکسیناسیون و عادی شدن تب و تاب کرونا، زمره‌های بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس به گوش رسید. دوباره صدای مهمه دانشجویان فضای مسکوت آموزشی را در هم شکست و شور و نشاط سابق طنین انداز شد.

کم کم آنلاین شدن‌های تصنعی و خوابیدن‌های امن و امان و گرم و نرم در خانه حین کلاس مجازی، به نشستن‌های طولانی پشت صندلی آن هم از اول صبح و با چشمان پر از خواب در کلاس حضوری، تبدیل شدند! دیگر نه تنها از غذای خانه خبری نبود، بلکه فضای کافی برای اسکان این همه دانشجو در خوابگاه‌ها هم وجود نداشت.

امتحان‌های مجازی که با کمک کتاب و امدادهای غیبی و یاری همگانی یکی پس از دیگری با نمرات عالی سپری می‌شدند، تبدیل شدند به شب‌زنده‌داری‌هایی برای پاس شدن دروس! و معنی کامل بنی آدم اعضای یک دیگرند را برای همیشه در صحنه‌ی خاطرات امتحانات کرونایی به یادگار گذاشتند...

اگرچه بازگشایی دانشگاه‌ها مشقت بار بود، اما شیرینی‌هایی هم داشت. کم کم از آن گروه‌های واتساپی و عکس گل رز صورتی پروفایل، به مرحله‌ی احتمال برخورد تصادفی و زمین ریختن جزوات دانشگاهی و ختم به خیر شدن انتهای ماجرا برگشتیم. آشنایی حضوری با دوستان، هم کلاسی‌ها و اساتیدی که فقط از آن‌ها یک اکانت واتساپ داشتیم، اردوهای دانشجویی که مجدداً از سر گرفته شدند، سلف سرویس، باشگاه و سالن اجتماعات و حسینیه دانشگاه پس از دو سال فراق دانشجویی و دل‌تنگی باز شدند، همه و همه از زیبایی‌های بازگشایی دانشگاه بعد از دو سال بود. مراسم‌ها و اعیاد از سر گرفته شدند. کانون‌ها و تشکل‌ها رونق یافتند و تمام راهروها و صندلی‌های تار عنکبوت بسته‌ی دانشگاه، از شوق حضور دانشجویان به خود بالیدند.

محرم آمد و جانم غمین است
قلوب شیعیان دائم حزین است

حسین بن علی (ع) قرآن ناطق
به روی نیزه راس شاه دین است

ندارد کربلا ساقی جز عباس (ع)
که او هم زاده‌ی ام‌البنین است

محرم چون که می‌آید دوباره
دلیم بی تاب روز اربعین است

مشو یک دم تو غافل از غلامی
که شیطان سیه‌دل در کمین است

به جز این در، مزن جای دگر را
که خیر آخرت بی شک در این است

حسین (ع) دردانه است آل علی (ع) را
به چشمان پیمبر (ص) نور عین است

اگر خواهی شوی رب را تو بنده
بلاشک راه او کوتاه‌ترین است

حسین (ع) مولا حسین (ع) سرور به عالم
حسین زیباترین نام زمین است

م.الف



عالمی ماہنامہ



عزای حسین صاحب

■ باز هم محرمی دیگر آمد؛ با اشک ها و بغض های گاه و بی گاهش، با روضه های همیشه سوزناکش، و با آتش همیشه شعله ور در قلب ها؛ آتشی که تا شما نیاید و انتقام خون جدتان را نگیرید، خاموش نمی شود.

■ آقای من!

شنیده ایم که زخم های پیکر جدتان، آنقدر زیاد بود که شمرده نمی شد. اما عجیب است که فراموش کردیم که زخم های دل داغدار شما از زخم های پیکر ابا عبدالله هم بیشتر شده و نفهمیدیم که دل زخم خورده، هزار بار بدتر از تن زخم خورده است.

■ یک عمر گفتیم امان از دل زینب؛ و فراموش کردیم که غصه دار دل زینب هم شما هستید؛ زینب یکبار حسین در قتلگاه را به نظاره نشست و شما ۱۱۸۵ بار.

■ در روضه هایمان شما را صاحب عزا خواندیم؛ اما نفهمیدیم که صاحب عزای حسین بودن یعنی چه؟ صاحب عزای حسین بودن، یعنی هر ظهر عاشورا از ندای العطش کودکان حسین، بی تاب شدن؛ یعنی بارها و بارها پا به پای نازدانه های حسین زمین خوردن. هزار سال صاحب عزای حسین بودن، یعنی هزار بار با چشمی گریان و دستی بسته به تماشای صورت سیلی خورده زینب نشستن؛ یعنی هزار بار کنار پیکر علی اکبر جان دادن، یعنی هزاران بار صحنه دردناک بال و پر زدن یتیمان مجتبی در آغوش حسین غریب را تماشا کردن...

■ صاحب عزای حسین که باشی، باید هر ظهر عاشورا با کمری خمیده کنار نهر علقمه، شاهد در هم شکستن عمود خیمه وجود حسین باشی و ببینی که چگونه حسین با کمری خمیده در پشت خیام برای شیرخواره اش قبر می کند.

■ هر سال محرم فقط از کوتاهی فاصله میان غدیر و عاشورا گفتیم؛ اما از فاصله زیادی که بین عاشورا و ظهور افتاد، نگفتیم؛ از روز به نیزه رفتن سر حسین تا روز قیام قائم آل محمد صلوات الله علیهم

■ آری! غفلت شیعه همیشه مصیبت ساز است؛ یک بار امامی را به گودی قتلگاه می فرستد و بار دیگر امامی را هزار سال به زندان غیبت.

حماسه‌های مطهری

حماسه‌های حسینی نام مجموعه کتابی دوجلدی اثر استاد مرتضی مطهری است که مشتمل بر کلیه‌ی سخنرانی‌ها و یادداشت‌های ایشان پیرامون واقعه کربلا و تحریفات تاریخی صورت گرفته در نقل آن می‌باشد.

جلد اول شامل سخنرانی‌ها و جلد دوم شامل یادداشت‌های استاد مطهری است. این کتاب به چندین زبان ترجمه شده و تا کنون بیش از ۵۰ بار در ایران تجدید چاپ شده است.

شرح‌هایی از کتاب حماسه حسینی نوشته استاد مرتضی مطهری:

کتاب حماسه حسینی شامل ۲۵ سخنرانی از استاد مطهری است که بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ نوشته است. انتشار مکرر این کتاب از کارآمدی این اثر در تبیین قیام عاشورا خبر می‌دهد. از نظر اثربخشی نیز باید گفت که کتاب حماسه حسینی در ردیف دیگر آثاری است که به بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی حادثه عاشورا پرداخته‌اند؛ این کتاب در تثبیت نگاه نو به نهضت امام حسین (ع) نقش عمده داشته است.

شجاعت استاد در تبیین انحرافات که در تفسیر و نحوه بزرگداشت این قیام بزرگ صورت گرفته و نیز دقت و انصاف او در شیوه‌ی تحریف‌زدایی، ستودنی است. علی‌رغم اینکه موضوع محوری همه سخنرانی‌ها قیام امام حسین (ع) است، اما کتاب از این ویژگی برخوردار است که مطالب تکراری در آن اندک است.

علیه السلام

در کتاب حماسه‌ی حسینی، سخنرانی‌های استاد در هفت فصل تنظیم شده است. فصل اول کتاب با عنوان «حماسه حسینی» به آسیب‌شناسی و اصلاح نحوه مواجهه با حادثه عاشورا می‌پردازد.

به اعتقاد استاد مطهری تصویری که از امام حسین(ع) و قیام او در اذهان نقش بسته است، تصویری ناقص و بلکه نادرست است. چرا که از نگاه استاد مطهری حادثه عاشورا دو صفحه دارد؛ صفحه‌ای سیاه و تاریک و مصیبت‌بار و دیگری صفحه‌ای روشن و افتخارآمیز که به تعبیر استاد، نمایشگاه فضیلت‌های انسانی است.

شهید مطهری نگاه مرسوم در آن زمان به حادثه عاشورا را مورد سؤال قرار می‌دهد:

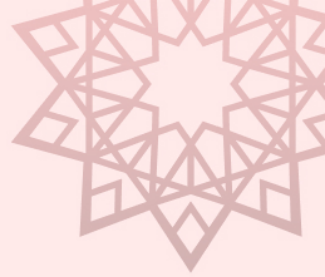
«چرا باید حادثه کربلا را همیشه از نظر صفحه سیاهش مطالعه کنیم و چرا باید همیشه جنایت‌های کربلا گفته شود؟ چرا همیشه باید حسین بن علی از آن جنبه‌های که مورد جنایت جانیان است مورد مطالعه‌ی ما قرار بگیرد؟ چرا شعارهایی که به نام حسین بن علی می‌دهیم و می‌نویسیم، از صفحه تاریک عاشورا گرفته شود؟ چرا ما صفحه نورانی این داستان را کمتر مطالعه می‌کنیم، درحالی که جنبه‌ی حماسی این داستان صد برابر بر جنبه‌ی جنایی آن می‌چربد و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن خیلی می‌چربد.» (ج ۱۷، ص ۳۰)

به اعتقاد استاد مطهری از جمله موانع مهم بهره‌گیری درست از ظرفیت‌های قیام عاشورا، بسنده کردن به صفحه‌ی سیاه این حادثه‌ی ماندگار است. استاد مخاطبان خود را دعوت می‌کند تا صفحه‌ی دیگر را نیز ببینند و با فضیلت‌های نهفته در حادثه عاشورا آشنا شوند. باید در کنار مصیبت‌ها، حماسه‌های عاشورا را نیز به تماشا نشست:

«این مصیبت نباید فراموش بشود، این ذکر و یادآوری نباید فراموش بشود و باید اشک مردم را همیشه بگیرد، اما در رثای یک قهرمان. پس اول باید قهرمان بودنش برای شما مشخص بشود و بعد در رثای قهرمان گریه کنید، و گرنه رثای یک آدم نفله شده‌ی بیچاره و بی‌دست و پای مظلوم که دیگر گریه ندارد، و گریه ملتی برای او معنی ندارد.

استاد مطهری در فصل دوم، شجاعانه موضوع مهم «تحریفات در واقعه‌ی تاریخی کربلا» را مورد بررسی قرار می‌دهد و برای تحریف‌زدایی از حادثه‌ی عاشورا تلاش می‌کند. او بعد از تعریف تحریف، دو نوع تحریف لفظی و تحریف معنوی را توضیح می‌دهد و واقعه‌ی عاشورا در ذهن افراد را دچار هر دو نوع تحریف می‌داند. استاد، وقوع تحریفات در واقعه‌ی عاشورا را به ویژه از این جهت خسارت‌بار توصیف می‌کند که عاشورا جزء حوادث مهم تاریخی و پشوانه‌ی اخلاق و تربیت محسوب می‌گردد. به اعتقاد استاد:

«حادثه‌ی کربلا برای ما مردم، خواهی نخواهی یک حادثه‌ی بزرگ اجتماعی است؛ یعنی این حادثه در تربیت ما، در خلق و خوی ما اثر دارد، حادثه‌ای است که خودبه‌خود، بدون اینکه هیچ قدرتی ما مردم را مجبور کرده باشد، میلیون‌ها نفر و قهراً میلیون‌ها ساعت برای شنیدن و استماع قضایای مربوط به آن صرف می‌کنیم. میلیون‌ها تومان پول برای این کار صرف می‌شود. این قضیه را ما باید همان طوری که بوده است، بدون کم و زیاد تلقی کنیم و اگر کوچک‌ترین دخل و تصرفی از طرف ما در این حادثه صورت بگیرد که حادثه را منحرف می‌کند، به جای اینکه ما از این حادثه استفاده کنیم، قطعاً ضرر خواهیم کرد.» (ج ۱۷، ص ۷۰)



من در سابق خیال می‌کردم که اساساً علت اینکه این همه دروغ اینجا پیداشده است، این بوده که وقایع راستین را کسی نمی‌داند چه بوده است. بعد که مطالعه کردم، دیدم اتفاقاً هیچ قضیه‌ای در تاریخ، در تاریخ‌های دوردست، مربوط به مثلاً سیزده یا چهارده قرن پیش، به اندازه‌ی حادثه‌ی کربلا تاریخ معتبر ندارد. معتبرترین مورخین اسلامی از همان قرن اول و دوم قضایا را با سندهای معتبر نقل کردند و این نقل‌ها با یکدیگر انطباق دارد و به هم نزدیک است؛ و قضایایی در کار بوده است که سبب شده است جزئیات آن، در تاریخ بماند.» (ج ۱۷، ص ۷۹)

استاد در سخنرانی دیگری که به موضوع تحریفات اختصاص یافته، از عوامل تحریف یاد می‌کند. در کنار اغراض دشمنان و تمایل بشر به اسطوره‌سازی، از عاملی اختصاصی در وقوع تحریف در حادثه‌ی عاشورا یاد می‌کند. این عامل اختصاصی، عدم دقت در فهم دستور ائمه در بزرگداشت و برگزاری مراسم عزای حضرت سیدالشهدا (ع) است: «متأسفانه عده‌ای این را نشناختند؛ خیال کردند که بدون اینکه مردم را با مکتب امام حسین (ع) آشنا کنیم، با فلسفه‌ی قیام حسینی آشنا کنیم، عارف به مقامات حسینی کنیم، همین قدر که مردمی آمدند و نشستند و یک گریه‌ای را نفهمیده و ندانسته کردند، دیگر کفار گناهان است!» (ج ۱۷، ص ۹۰)

و در ادامه این بدفهمی:

«عده‌ای آمدند گفتند گریه بر امام حسین (ع) ثوابش آن قدر زیاد است که از هر وسیله‌ای برای این کار می‌شود استفاده کرد. ... ما اینجا یک هدف مقدس و منزه داریم و آن گریستن بر امام حسین (ع) است. حالا این گریستن روی چه فلسفه‌ای است، کاری به آن ندارند؛ باید گریست. بسیار خوب، باید گریست. به چه وسیله بگریانیم؟ به هر وسیله که شد. هدف که مقدس است، وسیله هر چه شد، شد. ... دستگاه امام حسین (ع) از دستگاه دیگران جداست. اگر اینجا دروغ گفتی، بخشیده است؛ جعل کردی، بخشیده است؛ تحریف کردی، بخشیده است؛ شبیه‌سازی کردی، بخشیده است؛ به تن مرد لباس زن کردی، بخشیده است؛ هر گناهی که اینجا کردی، بخشیده است. هدف خیلی مقدس است. در نتیجه یک افرادی در این قضیه دست به جعل و تحریف زده‌اند که انسان تعجب می‌کند.» (ج ۱۷، صص ۹۰-۹۱)

استاد مطهری این گونه تصور درباره عزاداری برای حضرت سیدالشهدا را یک نوع تحریف معنوی می‌داند که زمینه‌ی وقوع تحریفات لفظی و برخی رفتارهای نادرست را به وجود می‌آورد. درحالی که فلسفه دستور ائمه (علیهم‌السلام) برای اقامه‌ی عزای امام حسین (علیه السلام) این بوده است که:

«پرتویی از روح حسین بن علی بر روح ما و شما بتابد. اگر اشکی که ما برای او میریزیم - قبلاً عرض کردم - در مسیر هماهنگی روح ما باشد، روح ما پرواز کوچکی با روح حسینی بکند، ذره‌ای از همت او، ذره‌ای از غیرت او، ذره‌ای از حریت او، ذره‌ای از ایمان او، ذره‌ای از تقوای او، ذره‌ای از توحید او در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شود، آن اشک هر چه دلتان بخواهد قیمت دارد.

اگر گفتند به اندازه یک بال مگس هم یک دنیا ارزش دارد، باور کنید. اما نه اشکی که برای شهادت امام حسین (ع) باشد، بلکه اشکی که برای عظمت امام حسین (ع) باشد، برای شخصیت ایشان باشد. اشکی که نشانه‌ای از پیروی کردن از حسین بن علی باشد، بلکه یک بال مگس هم یک دنیا ارزش دارد. خواستند که همیشه مردم این مکتب عملی را ببینند.» (ج ۱۷، ص ۱۱۲)

فصل سوم کتاب، سخنرانی با عنوان «ماهیت قیام حسینی» است. استاد در این سخنرانی در جستجوی تبیین مهم‌ترین عوامل دخیل در قیام امام حسین (ع) است. استاد سه عامل تقاضای بیعت، دعوت مردم کوفه و امر به معروف و نهی از منکر را مورد بررسی قرار می‌دهد و از این میان، عنصر امر به معروف و نهی از منکر را مهم‌تر می‌داند. امام با رد بیعت، حالتی تدافعی به خود می‌گیرد و با اجابت دعوت مردم کوفه به تعاون با آنان برمی‌خیزد، در حالی که با انگیزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، قیام امام ماهیت تهاجمی پیدا می‌کند.

استاد با نقد دیدگاه نویسنده کتاب «شهید جاوید» معتقد است که نباید برای دعوت مردم کوفه سهمی بیش از اندازه‌ی قیام قائل شد. واقعیت تاریخی نیز حکایت از آن دارد که عامل دعوت مردم کوفه، موقت بوده است؛ به این معنا که کوفیان دعوت خود را زیر پا نهادند اما قیام امام متوقف نشد. نکته‌ی دیگر اینکه سیدالشهدا در معرفی چرایی قیام، بر عنصر امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌کنند.

فصل چهارم با عنوان «تحلیل واقعه‌ی عاشورا» در ادامه‌ی سخنرانی قبلی به این پرسش پاسخ می‌گوید که چه زمینه‌ای ضرورت قیام بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر را توضیح می‌دهد. استاد به موضوع سیره و روش رهبری امت اسلامی اشاره می‌کند و انحراف از سیره و روش درست رهبری را منکر بزرگی معرفی می‌کند که قیام امام حسین (ع) اقدامی در اعتراض به آن و حرکتی برای اصلاح آن بوده است.

«شعارهای عاشورا» عنوان فصل پنجم است. استاد مطهری توجه به شعارهای اباعبدالله (ع) را از این جهت مهم می‌شمارد که در این شعارها می‌توان به انگیزه و ماهیت قیام عاشورا پی‌برد و نیز اینکه جهت‌گیری مراسم عزاداری سالار شهیدان را نیز روشن می‌کند:

«اباعبدالله (ع) در روز عاشورا شعارهای زیادی داده است که در آنها، روح نهضت خودش را مشخص کرده که من برای چه می‌جنگم، چرا تسلیم نمی‌شوم، چرا آمده‌ام که تا آخرین قطره‌ی خون خودم را بریزم؟ و متأسفانه این شعارها در میان ما شیعیان فراموش شده و ما شعارهای دیگری به جای آنها گذاشته‌ایم که این شعارها نمی‌تواند روح نهضت اباعبدالله (ع) را منعکس کند.» (ج ۱۷، ص ۱۸۴)

فصل ششم شامل هفت سخنرانی است که به تبیین «عناصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی» اختصاص دارد. استاد در این مجموعه سخنرانی، به جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا اشاره می‌کند و آن را مستند به کلام امام حسین (ع) می‌داند.

استاد در ادامه به وضعیت تأسف بار جامعه اسلامی در رابطه با این فریضه مهم اشاره می‌کند: «انصافاً در میان ما شیعیان نیز این مطلب خیلی کوچک شده است تا آنجا که چند قرن است که درباره امر به معروف و نهی از منکر در رساله‌های عملیه مطلبی نمی‌نویسند. در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز و روزه است، نباید دفن شود... امر به معروف و نهی از منکر موضوعی نیست که از بین برود؛ همیشه وجود دارد و باید در رأس مسائل قرار گیرد، همیشه باید مطرح شود تا آن را فراموش نکنیم.» (ج ۱۷، ص ۲۲۰)

استاد مطهری در سخنرانی بعدی به جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد و در تبیین شرایط آن، دو عنصر اخلاص و معنویت و نیز آگاهی را مورد توجه قرار می‌دهد.

در ادامه، «مراحل و اقسام امر به معروف و نهی از منکر» معرفی شده است. هجر و اعراض، پند و نصیحت و ارشاد زبانی و نیز اقدام عملی از مراحل و اقسام امر به معروف و نهی از منکر هستند. استاد مطهری در این سخنرانی همچنین نمونه هایی از امر به معروف و نهی از منکر نادرست را ذکر می‌کند.

در پنجمین سخنرانی درباره امر به معروف و نهی از منکر، مسئله مرز امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با خطرات مورد توجه قرار می‌گیرد. برخی معتقدند مرز امر به معروف و نهی از منکر آنجاست که خطری متوجه جان و مال و آبروی آدمی گردد. در مقابل، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آن مرز امر به معروف و نهی از منکر با در نظر گرفتن اهمیت موضوع معروف و منکر تعیین می‌گردد. گاه موضوع آن از اهمیتی برخوردار است که به خطر افتادن جان و مال و آبرو ضرورت انجام این فریضه را از بین نمی‌برد. شهید مطهری با تفکیک «ترتیب مفسده» و «ضرر شخصی» از نگاه دوم، دفاع می‌کند.

سخنرانی ششم از مجموعه سخنرانی های «عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی» با نگاهی آسیب شناسانه، کارنامه جامعه اسلامی در امر به معروف و نهی از منکر را مورد توجه قرار می‌دهد. استاد برای بررسی این موضوع توجه مخاطب را به مظاهر امر به معروف و نهی از منکر جلب می‌کند. مجالس تبلیغی، وضعیت نشر کتب مذهبی، حساسیت ها و نگرانی های جامعه از مواردی است که ارزیابی آن ها کارنامه عملکرد در امر به معروف و نهی از منکر را روشن می‌سازد. در همین سخنرانی است که استاد از ضرورت اهتمام به مسئله فلسطین به عنوان یک معروف مهم اسلامی یاد می‌کند.

در سخنرانی هفتم، شهید مطهری از تأثیر امر به معروف و نهی از منکر اهل بیت امام پس از حادثه کربلا سخن می‌گوید و نیز در تکمیل بحث، از شرایط امر به معروف و نهی از منکر، شرط قدرت را توضیح می‌دهد.

موضوع محوری فصل هفتم با هفت سخنرانی، «عنصر تبلیغ در نهضت حسینی» است.

استاد در مرحله نخست به تبیین مفهوم تبلیغ می‌پردازد و معنایی غیر از امر به معروف و نهی از منکر برای تبلیغ ارائه می‌کند.

«تبلیغ» که در قرآن آمده است و «امر به معروف و نهی از منکر» که آن هم در قرآن آمده است، دو مسئله جداگانه‌اند؛ البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسئله هستند. تبلیغ، مرحله شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحله شناخت است. ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله اجرا و عمل است.» (ج ۱۷، ص ۳۲۲)

استاد در ادامه از شرایط موفقیت پیام یاد می‌کند. غنا و حقانیت محتوای پیام، شخصیت پیام رسان، ابزار پیام رسانی، کیفیت و روش پیام رسانی، مؤلفه‌هایی هستند که در موفقیت تبلیغ مؤثر هستند. استاد ذیل هر یک از عناوین یاد شده توضیحات لازم را ارائه می‌نماید.

همچنین در یکی از سخنرانی های همین مجموعه با عنوان «حادثه کربلا، تجسم عملی اسلام» از ظرفیت های تبلیغی حادثه عاشورا یاد می‌کند. به اعتقاد استاد:

«اساساً خود این حادثه، تمام این حادثه، تجسم اسلام است در همه ابعاد و جنبه‌ها؛ یعنی راز اینکه این حادثه نمایش پذیر و شبیه پذیر است، این است که تجسم فکر و ایده چندجانبه و چند وجه و چند بعد اسلامی است؛ همه اصول و جنبه های اسلامی عملاً در این حادثه تجسم پیدا کرده است» (ج ۱۷، ص ۳۷۹)

استاد مطهری در سخنرانی بعدی به بیان نقش اهل بیت سیدالشهدا (ع) در تبلیغ نهضت حسینی می‌پردازد. استاد در پاسخ به این سؤال که چرا امام حسین (ع) اهل بیت خود را به همراه برده است؟ این نکته را بیان می‌کند که حضرت سیدالشهدا (ع) برای اهل بیت خود نقش و رسالت تبلیغی قائل بوده است. استاد در ادامه به تبیین این نکته مهم می‌پردازد که در جامعه بایسته اسلامی، زن و مرد هر دو صاحب نقش و مسئولیت هستند. از نگاه استاد مطهری، قیام عاشورا این مسئولیت توأم را به خوبی نشان داده است.

در بخشی از سخنرانی آخر، از شرایط مبلغ و نیز از تأثیر تبلیغی اهل بیت امام حسین (ع) در مدت اسارتشان سخن گفته شده است.

سؤال درگذشت به بهانه

تو که رفتی که بماند؟
که برای دل ما قصه بخواند

م.الف

نگاهی بر آثار امیر هوشنگ ابتهاج

آینه در آینه، گزیده‌ای است از اشعار هوشنگ ابتهاج (ه.الف.سایه) که توسط نشر چشمه منتشر شده است. آنچه این اثر را از سایر آثار گزیده شعر متمایز می‌کند، این است که گزینش آن‌ها توسط استاد شفیع کدکنی صورت گرفته است.

بانگ نی اثر، پیر پرریان اندیش و تاسیان از دیگر آثار این شاعر بزرگ است.

اثر «دیوان حافظ به سعی سایه» یکی از کامل‌ترین و بهترین تصحیح‌های دیوان اشعار حافظ است که توسط هوشنگ ابتهاج تدوین شده است.

اشعار سایه را می‌توان در گوشه و کنار ادبیات فارسی یافت و حتی بسیاری از ما یک یا چند شعر از ابتهاج را از حفظ زمزمه می‌کنیم اما در حقیقت نمی‌دانیم که این اشعار زیبا متعلق به امیر هوشنگ ابتهاج است! نمونه‌ای از این آثار، شعر زیبایی است که با صدای خواننده معروف، پرواز همای، در ذهن عموم مردم نقش بسته است.

نشود فاش کسی آنچه میان من و توست

تا اشارات نظر نامه‌رسان من و توست

گوش کن بال لب خاموش سخن می‌گویم

پاسخم گو به نگاهی که زبان من و توست

روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید

حالیا چشم جهانی نگران من و توست

گرچه در خلوت راز دل ما کس نرسید

همه جا زمزمه عشق نهان من و توست

گو بهار دل و جان باش و خزان باش، ارنه

ای بسا باغ و بهاران که خزان من و توست

این همه قصه فردوس و تمنای بهشت

گفت و گویی و خیالی ز جهان من و توست

نقش ما گو ننگارند به دیباچه عقل

هر کجا نامه عشق است نشان من و توست

سایه ز آتشکده ماست فروغ مه و مهر

وه از این آتش روشن که به جان من و توست

هوشنگ ابتهاج، ملقب به سایه، شاعر و پژوهشگر نامدار ایرانی بود که به‌واسطه‌ی بهره‌مندی از استعداد کم‌نظیر در سرودن شعر به هر دو سبک کلاسیک و نو، در میان اهالی ادبیات از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. وی به عنوان نزدیک‌ترین غزل‌سرا به حافظ شناخته می‌شود. او با لحاظ کردن اوضاع حاکم بر روزگارش، در شعر از بیانی استفاده کرد که بیانگر دردها و نیازهای مردم زمانه‌اش بود. او می‌گفت: «شعر ویروسی است که از تن آدم نمی‌رود. ترسم این است که در آن دنیا هم دچار شعر گفتن شوم.»

ابتهاج می‌گفت: «کلمات برای من سرد و گرم‌اند. «سایه» کلمه‌ای سرد است به گمان من در کلمه «سایه»، یک مقدار آرامش، خجالتی بودن، فروتنی و بی‌آزار بودن هست، این‌ها برای من جالب بود و با طبیعت من می‌ساخت.»

امیر هوشنگ ابتهاج در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی در شهر رشت متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و بخشی از دوره‌ی متوسطه در این شهر، برای ادامه‌ی تحصیل به تهران مهاجرت کرد. ابتهاج که در جوانی دل‌داده‌ی دختری ارمنی تبار به نام گالیا بود، نخستین اشعار خود را با عشق او سرود و این اشعار را در سال ۱۳۲۵، در قالب مجموعه‌ای به نام «نخستین نغمه‌ها» منتشر کرد. سایه در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ در آلمان درگذشت. آلمان، همسر او در ۱۸ اسفند ۱۴۰۰، پنج ماه قبل از سایه چشم از جهان فرو بست. گویا ابتهاج نتوانست بیش از پنج ماه دوری همسر را تحمل کند!

منزل شخصی سایه با نام «خانه ارغوان» به ثبت سازمان میراث فرهنگی رسید. دلیل این نام‌گذاری وجود درخت ارغوانی در حیاط این خانه است که سایه شعر ارغوان خود را برای آن درخت گفته بود.

ارغوان، شاخه همخون جدا مانده من

آسمان تو چه رنگ است امروز؟

آفتابی ست هوا؟

یا گرفته است هنوز؟

علائق زبانی

با گذشت بیش از چهارده قرن از ظهور اسلام و اوضاع پرفرازونشیبی که مسلمانان پشت سر گذاشته‌اند و اختلاف‌ها و جدایی‌های تأسف‌باری که در بین آنان رخ داده است، امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند شناخت مجدد اسلام ناب و خالص هستیم.

البته این شناخت باید از چنین ویژگی‌هایی برخوردار باشد: از سرچشمه‌های زلال به دست آید؛ موجب پیوند دل‌های مسلمانان باشد؛ الفت و وحدت را به جوامع اسلامی بازگرداند؛ به محک‌های اسلام تکیه کرده و به دلایل بینات مستند باشد؛ توان گذر از متشابهات و شبهات را داشته باشد؛ اطمینان و آرامش را برای مسلمانان به ارمغان آورد؛ از سویی گذشته را به درستی تبیین کند و از سوی دیگر چراغ راهی برای آینده مسلمانان باشد؛ زمینه را برای احیای تمدن باشکوه اسلامی فراهم سازد؛ ناظر به اصول و ریشه‌ها باشد؛ اهداف و آرمان‌های اصلی را عیان کند و در عین حال، راه چاره‌ای برای پیراستن خرافات و بدعت‌ها و کژی‌ها و انحراف‌ها ارائه دهد.

برای دستیابی به چنین شناختی، راهی جدید وجود دارد که تجربه آن برای جوامع اسلامی، مفید و سازنده خواهد بود. این کتاب سعی دارد اطلاعات جامع و دقیقی در اختیار مخاطبان قرار دهد.

علی (ع) از زبان علی (ع) اثری است به همت "محمد محمدیان" که "زندگی و زمانه امیرالمومنین علیه السلام از زبان خودش" را در اختیار دوست داران حضرت قرار می‌دهد. "محمد محمدیان" این اثر را با روایتی اول شخص و یکدست به رشته‌ی تحریر درآورده تا همان طور که عنوان اثر "علی (ع) از زبان علی (ع)" نام دارد، خواننده حس کند که این روایت توصیفی، از جانب خود امیرالمومنین علی (ع) صورت گرفته است. یک تفاوت اساسی کتاب "علی (ع) از زبان علی (ع)" با دیگر کتب نگارش شده در شان و زندگی حضرت، این است که "محمد محمدیان" آن را بر اساس واقعیات نوشته و برخلاف بسیاری از آثار مشابه، که عنصر تخیل را با وقایع تاریخی تلفیق کرده‌اند، "محمد محمدیان" در "علی (ع) از زبان علی (ع)"، شرحی حقیقی از یک حیات واقعی مملو از ایثار، رشادت، ایمان و جهاد را به تصویر کشیده است.

"محمد محمدیان" مراحل مختلف زندگانی حضرت را در این اثر ششصد و بیست و سه صفحه‌ای تشریح کرده که هر فصل از آن، بر اساس رویدادهای برجسته‌ی زندگی ایشان نامگذاری شده است. "علی (ع) از زبان علی (ع)" شامل ده فصل است که دوران مکه، مدینه، دوران خلفا و سپس دوره‌ی خلافت خود حضرت، جنگ جمل، جنگ صفین، دوران حکمیت، جنگ نهروان، دوره‌ی غارت‌ها و سپس شهادت حضرت را در برمی‌گیرد. "محمد محمدیان" تأکید داشته که برای نگارش "علی (ع) از زبان علی (ع)"، علاوه بر نهج البلاغه، دیگر آثار مهم شیعیان و اهل سنت را نیز مورد پژوهش قرار داده و تلاش کرده که در تدوین این اثر چیزی را از قلم نیاندازد.

بخشی از کتاب علی(ع) از زبان علی(ع)

در دامان رسول خدا(ص)

من علی فرزند ابوطالب و فاطمه بنت اسد، در روز سیزدهم رجب سال ۳۰ عام الفیل، در شهر مکه و در درون خانه کعبه متولد شدم. پدرم ابوطالب، چندین فرزند داشت و از نظر معیشت در تنگنا بود. خویشان نزدیک به یاری وی شتافتند و هر کدام سرپرستی یکی از فرزندان او را برعهده گرفتند. از آن میان، رسول خدا(ص) مرا برگزیدند تا همچون عضوی از خانواده‌ی آن حضرت، در کنار ایشان و خانواده‌شان زندگی کنم.

پیامبر(ص) پسری نداشتند؛ اما تقدیر الهی چنان بود که از من، چونان فرزندشان نگهداری کنند و در رشد و تربیت من از هیچ لطفی دریغ نورزند و تمام مهر و عطوفتی که یک پدر به فرزندش دارد، برای من به کار گیرند؛ تا آنجا که رسول خدا(ص) مرا در دامان خویش می‌نشانند و در آغوش می‌گرفتند و در بستر مخصوص خود جای می‌دادند. در کنار ایشان آرام می‌گرفتم و بوی خوش آن حضرت به مشام می‌رسید. حتی گاه غذا را لقمه‌لقمه در دهانم می‌گذاشتند. هرگز دروغی در گفتار من و خطایی در رفتار من مشاهده نکردند.

از لحظه‌ای که رسول خدا(ص) را از شیر گرفته بودند، خداوند گرامی‌ترین فرشته‌اش را مأمور تربیت وی کرده بود تا او را همواره به راه‌های کرامت و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند. من نیز همواره با رسول خدا(ص) بودم، همچون فرزندی که همیشه در کنار مادر است. آن بزرگوار نیز هر روز درس جدیدی از اخلاق نیکو به من می‌آموختند و از من می‌خواستند که در گفتار و رفتار، از ایشان پیروی کنم.

رسول خدا(ص) هر سال، چند ماهی را در غار «حراء» سپری می‌کردند. در آن ایام، تنها من بودم که با ایشان ملاقات می‌کردم و در طول این مدت، جز من، کسی ایشان را نمی‌دید.

خواندن کتاب علی(ع) از زبان علی(ع) را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنیم؟

این کتاب را به تمام علاقه‌مندان به درک زندگی امامان پیشنهاد می‌کنیم.



• موضوع فصل دوم کتاب حماسه حسینی از استاد مطهری چیست؟

- (۱) بیان نقش اهل بیت سیدالشهدا(ع) در تبلیغ نهضت حسینی
- (۲) تحریفات در واقعه تاریخی کربلا
- (۳) مراحل و اقسام امر به معروف و نهی از منکر
- (۴) حادثه کربلا، تجسم عملی اسلام

• دلنویسه این شماره از نشریه در چه موردی صحبت شده است؟

- (۱) ظهر عاشورا
- (۲) امام زمان(عج) و امام حسین(ع)
- (۳) دهه اول محرم
- (۴) حضرت زینب(س)

• استاد مطهری با نقد کدام کتاب معتقد است که نباید برای دعوت

مردم کوفه سهمی بیش از اندازه‌ی قیام قائل شد؟

- (۱) محمد اسفندیاری
- (۲) سید علی شجاعی
- (۳) شهید جاوید
- (۴) سید مرتضی آوینی

• تفاوت تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه استاد

مطهری چیست؟

- (۱) تبلیغ، مرحله‌ای از شناخت است.
- (۲) امر به معروف و نهی از منکر مرحله شناخت است.
- (۳) تبلیغ، مرحله‌ای از عمل است.
- (۴) ب و ج درست است

• گزینه صحیح در مورد کتاب علی از زبان علی را مشخص کنید.

- (۱) برای نگارش این کتاب صرفاً از آیات و روایات نهج‌البلاغه و دیگر آثار مهم شیعیان استفاده شده است.
- (۲) اگرچه کتاب بیشتر براساس واقعیت است اما نویسنده به علت تاریخی بودن اثر، از عنصر تخیل نیز بهره برده است.
- (۳) این کتاب زمانه و زندگی امام علی(ع) از زبان خود ایشان است.
- (۴) این کتاب فقط شرح مفصلی از دوران خلافت حضرت علی علیه السلام است.

